

با تقدیم تحیات امنع ابهی و با تبریک به مناسبت سال نوو با امید به سلامتی فرد فرد شما عزیزان

دوستان عزیز برنامه ایکه تحت عنوان "آغوش فراگیر" تهیه گردیده است قصد دارد ما را به تأمل در خصوص یکی از مهمترین خصائص در میدان تبلیغ و خدمت دعوت نماید .

بیت العدل اعظم الهی در پیامی خطاب به احبای مهد امرالله میفرماید:

" نور منبری که همیشه رهنمون مجهودات شما بوده و هست، اصل وحدت عالم انسانی، محور اساسی تعالیم حضرت بهاءالله میباشد. به نونهالان خود از آغاز زندگی این بیان مبارک را آموخته اید که میفرماید: «سراپرده یگانگی بلند شد به چشم بیگانگان یکدیگر را مبینید همه بار یک دارید و برگ یک شاخسار». همیشه بر این باور بوده اید که تعصب را نمیتوان با دوری گزیدن از دیگران و عناد مقابله نمود، بلکه باید با نیروی محبت و نعدوستی بر آن چیره شد. به این حقیقت واقفید که بنیاد تعصب جهل و نادانی است و غلبه بر آن مستلزم نشر انوار دانش و بینش و در عین حال عمل و پشتکار است چون یکی از مؤثرترین طرق فایق گشتن بر تعصبات همکاری و همگامی افراد مختلف برای نیل به اهدافی والا و مشترک میباشد. شما میدانید که اصل وحدت عالم انسانی که مورد نظر حضرت بهاءالله میباشد با تحمیل یکنواختی مغایر است. شعارش وحدت در کثرت است، پذیرفتنش به معنای در بر گرفتن تنوع تمامی نوع بشر است، و ترویجش مستلزم ایجاد امکانات برای شکوفایی استعدادهای ذاتی هر فرد است که در حقیقت او به ودیعه گذاشته شده است."

امید داریم با تأمل بیشتر بر این اصل در مسیر خدماتمان بیگانه نبینیم و با آغوشی فراگیر محبت خود را بر همگان نثار نمائیم.

تأییداتتان مدام

حضرت بهاء الله میفرماید:

ای دوستان سراپرده یگانگی بلند شد به چشم بیگانگان یکدیگر را نبینید. همه بار یک دارید و برگ یک شاخسار

آیات الهی ج ۱ ص ۱۳۹

عنوان: آغوش فراگیر

قسمت روحانی

۱- مناجات شروع

۲- بیانات مبارکه حضرت بهاء الله

۳- بیانات مبارکه حضرت عبدالبهاء

۴- لوح مبارک حضرت عبدالبهاء

۵- لوح مبارک حضرت عبدالبهاء

قسمت اداری

۶- همه بار یک دارید و برگ یک شاخسار

۷- بیانات مبارکه حضرت ولی امرالله

۸- قسمتی از پیام منیع بیت العدل اعظم الهی

۹- اصل یگانگی نوع بشر به چه معناست؟

۱۰- جامعه سازی و الگوهای مبتنی بر اصل یگانگی نوع انسان

۱۱- شور و مشورت (چگونه در تبلیغ امرالله و خدمت بیگانه نبینیم؟)

۱۲- برنامه نونهالان و نوجوانان

قسمت اجتماعی

۱۳- انس و الفت

۱۴- مناجات خاتمه

هُوالله

ای پروردگار، یاران را کامکار کن و به عبودیتت همدم و دمساز فرما. قلوب را نورانی فرما و وجوه را رحمانی کن. تا بنیان محبت و مهربانی در عالم انسانی تأسیس گردد و نوع بشر به یکدیگر مَفْتون و مهر پرور گردند. شرق دست در آغوش غرب نماید، فرنگ بی درنگ سبیل محبت پوید. تُرک، تاجیک را همدم داند و هم آغوش و مهربان شمرد. کلّ با هم در نهایت الفت و یگانگی معاشرت و مصاحبت نمایند. بیگانگی نماند. ذکر اغیار نشود و همدگر را آشنا و یار و غمگسار گردند. ای پروردگاری شب تار را روز روشن فرما و این بَغض و عداوت بین ملل را به اُنس و محبت مبدل کن، تا عالم آفرینش آسایش یابد و جهان پرغرور از عالم الهی نصیب موفور جوید توئی مقتدر و توانا و توئی بخشنده و درخشنده و بینا . ع ع

مجموعه مناجاتهای چاپ آلمان ص ۵۱

۲-بیانات مبارکه حضرت بهاء الله

نخستین گفتار دانا آنکه، ای پسران خاک از تاریکی بیگانگی به روشنی خورشید یگانگی روی نمائید اینست آنچه که مردمان جهان را بیشتر از همه چیزها بکار آید

مجموعه الواح مبارکه چاپ مصر ص ۲۶۳

ای دانایان امم، از بیگانگی چشم بردارید و بیگانگی ناظر باشید و به اسبابیکه سبب راحت و آسایش عموم اهل عالم استف تمسک جوئید این یک شبر عالم، یک وطن و یک مقام است. از افتخار که سبب اختلافست بگذرید و به آنچه علّت اتفاقتست، توجه نمائید.

اشراقات و الواح دیگر ص ۱۲۲

۳-بیانات مبارکه حضرت عبدالبهاء

"با وجود ملاحظه بیگانگی، محبت و یگانگی مشکل است و در این دور بدیع به نصوص الهی باید با جمیع طوائف و ملل یگانگی نمود و نظربه غُنف و شدّت و سوء نیّت و ظلم و عداوت ننمود. بلکه به افق عزّتِ قدیمه باید نظر کرد که این کائنات هر یک آیتی از ربّ الآیاتند و به فیض الهی و قدرت ربّانی به عرصه وجود، قدم نهادند. لهذا آشنا هستند نه بیگانه. یار هستند نه اغیار و به این نظر باید معامله نمود. پس یاران باید در نهایت مهربانی و محبت با دوست و بیگانه هر دو الفت و محبت نمایند(۱)

"ای اهل عالم، طلوع شمس حقیقت، محض نورانیت عالم است و ظهور رحمانیت در انجمن بنی آدم. نتیجه و ثمر مشکورو سُوحات مقدّسه هر فیض موفور. رحمت صرف است و موهبت بحت و نورانیت جهان و جهانیان. ائتلاف و

التیام است و محبت و ارتباط. بلکه رحمانیت و یگانگی و ازاله بیگانگی و وحدت با جمیع من علی الارض در نهایت آزادگی و فرزاندگی. جمال مبارک میفرماید: همه بار یکدارید و برگ یکشاخسار عالم وجود را به یک شجره جمیع نفوس به منزله اوراق و ازهار و اثمار تشبیه فرمودند لهذا باید جمیع شاخه و برگ و شکوفه و ثمر، در نهایت طراوت باشند و حصول این لطافت و خلوت منوط به ارتباط و الفت است. (۲)

2-منتخبات مکاتیب ج ۱ ص ۱

۱-منتخبات مکاتیب ج ۱ ص ۲۲

۴-لوح مبارک حضرت عبدالبهاء

هو الله

ای طالب حقیقت، آنچه نگاشتی ملاحظه گردید. ملکوت الهی شفا خانه روحانی عالم انسانی است. هر دردی را، درمان موجود و هر زخمی را، مرهمی حاضر. توجه به جمال ابهی نما که مَلِیکِ ملکوت است و طیبِ ارواح و قلوب. تعالیم الهیه و وصایا و نصایح بهاءالله، سبب نجاج و فلاح در مُلک و ملکوت است. هر نفسی به آن تعالیم رفتار کند و مُحَبِّ عالمیان گردد و خیر خواه کلّ طوائف از نوع انسان، قلب را از بیگانگی کلّ پاک و مطهر نماید و روح را به یگانگی با کلّ مُستبشر فرماید، آن وقت نار محبت الله شعله زند و شمع ملکوت در دل، برافروزد و ابواب عرفان مفتوح گردد و تأییدات ملکوت برسد و نفثات روح القدس تأثیر نماید و علیک البهَاء الابهی

ع ع

منتخبات مکاتیب ج ۴ ص ۱۰۳

۵- لوح مبارک حضرت عبدالبهاء

ای بنت ملکوت، ربّ الملکوت شمس حقیقت یک تجلی و اشراق بر امکان و کیهان فرمود جمیع کائنات از پرتو آن اشراق، هستی و حیات یافتند و درعرصه وجود محشور گردیدند. پس جمیع کائنات صفحات آئینه‌اند که شمس حقیقت، پرتو فیض افکنده جمیع این صفحات مرایا هستند و حکایت از شمس حقیقت نمایند و فیض، فیض واحد است و تجلی، تجلی واحد. ولی این مرایای متنوعه مختلفند، بعضی در نهایت صفا و لطافت و منعکس از پرتو شمس حقیقت و تجلی شمس ظاهر و باهر و لامع و مرایائی دیگر پرغبار و پرکدر لهذا از استفاضه محروم و مهجور مانده. احبای الهی مرایای صافیه‌اند که در نهایت لطافت و صفا، حکایت از نیر آفاق کنند و طوائف دیگر صفحات حَجَر و مَدْرْمَعْبَرند. علی الخصوص اهل بغضا و عناد و ظلم و بیداد و تعصب جاهلیه که از شدت غبارمانند سنگ سیاه شده‌اند که پرتو آفتاب در آن سطوع و اشراقی ندارد. حال این آئینه‌ها را که محروم از فیضند نباید بیگانه شمرد و اغیار شناخت و دشمن دانست و متوحش شمرد بلکه باید در نهایت محبت و مهربانی از اعضای خویش شمرد بیگانه نگفت، آشنا دانست. اغیار نباید شمرد، یارباید دانست

منتخبات مکاتیب ج ۲ ص ۶۱

حضرت بهاءالله می فرماید

“ای اهل عالم سراپرده یگانگی بلند شد به چشم بیگانگان یکدیگر را مبینید، همه بار یک دارید و برگ یک شاخسار”

حضرت عبدالبهاء در توضیح این بیان می فرماید که در همه ظهورات سابقه دو درخت بود، درخت ایمان و درخت اعراض، درخت دوستی و درخت دشمنی، درخت مومنین و درخت مخالفین. حضرت بهاءالله این دو درخت را برداشتند و یک درخت به جای آن نشانند. همه چه مؤمن چه غیر مؤمن، برگهای این درخت هستند. همان طور که برگهای درخت، همدیگر را نگهداری می نمایند و یاری می رسانند و به یکدیگر جان می بخشند، اهل عالم هم باید نسبت به هم، چنین باشند بیگانگی را فراموش کنند و به یگانگی بیندیشند. اگر چنین شود عالم بهشت برین گردد.

ظهور جدید برای عصر جدید ص ۲۳

۷-بیانات مبارکه حضرت ولی امرالله

آئین حضرت بهاءالله به برکت قوای خلاّقه و نظم آفرین و عزّت بخشش قادر شد که نژادها و ملل و مرامها و طبقات مختلفی را که در سایه اش پناه گرفته و به امرش تمسک جسته اند در آغوش باز خویش بپذیرد و قلوبشان را تقلیب نماید و پرده تعصباتشان را بسوزاند و آتش عداوتشان را فرو نشاند و مفاهیمشان را بالا برد و نیّات و مقاصدشان را والا کند و مجهوداتشان را هم آهنگ سازد و وجهه نظرشان را دگرگون نماید و توانست که با حفظ وطن پرستی و وفاداری به تعهدات ثانویه شان آنانرا دوستاران بشر و حامیان سرسخت مصالح عالم انسانی سازد و توانست با حفظ اعتقاد کامل به الهی بودن ادیانشان آنان را بر مقاصد اصلیه ادیان واقف گرداند و قدر و مقامشان را معلوم دارد و ظهور پی در پی و ارتباط و جامعیت و اتحادشان را آشکار نماید و آنان را مُدعِن سازد که جمیع آن ادیان با پیوندی مستحکم با آئین بهائی پیوسته اند. این عشق و محبت جامع و فائقی را که پیروان آئین بهائی به همنوع خویش از هر نژاد و دین و طبقه و ملّتی دارند هرگز نباید مرموز و تصنعی تلقی کرد زیرا آن عشق، عشقی حقیقی است و آن محبت، محبتی ذاتی است و هر کس که دلش با آتش عشق الهی افروخته شد، خلق را به خاطر خدا دوست میدارد و صورت هر انسانی را، آینه نور خدا می بیند.

جلوه مدنیت جهانی ص ۸۸

نکته اساسی که در زمینه استحکام خانواده باید مورد توجه خاص قرار گیرد این است که اگر چه اهمیت خانواده در بسیاری از فرهنگ‌ها مورد تأکید می‌باشد و چه بسیار شواهدی که گویای نقش مثبت خانواده در پیشرفت عمومی است؛ ولی مواردی نیز وجود دارد که توجه بیش از حد به مصالح خانوادگی، خواه و ناخواه، موجب بروز نوعی تنگ نظری اجتماعی گردیده و در نهایت به حال دیگران مضر واقع شده است. چه بسا خانواده‌های باثبات و متحدی که بر اثر دید تعصب‌آمیز که نسبت به بخشی از اجتماع دارند به کودکان خود مفهوم "خودی و بیگانه" را القاء می‌کنند؛ غافل از اینکه تلقین چنین افکار مسموم کننده‌ای حس نوع دوستی و عدالت خواهی را در وجود آنان ضعیف می‌کند. جای تعجب نیست اگر کودکانی که در چنین محیطی پرورش می‌یابند، در سنین بلوغ یا در مقابل رنج و درد انسان‌ها بی‌تفاوت شوند، یا ظلم و ستم به دیگران را عملی جایز و مشروع شمرند و یا خود نیز احتمالاً به رواج آن کمک نمایند. به علاوه از آنجایی که در جوامع سرکوبگر و خشن دفاع از حقوق بشر و حیات از ستم‌دیدگان، امر دشواری است، این قبیل افراد به جای ترویج عدالت و حمایت از مظلومان راه آسان‌تر، یعنی سکوت و یا سازش با ستم‌گر را برگزیده، نادانسته سدّ راه پیشرفت روحانی و معنوی خود و ترقی ملت خویش می‌گردند.

تعلیم عدل و انصاف در خانواده اقدامی اساسی در جهت رفع این نارسایی بزرگ اجتماعی است. فرزندان باید آن چنان تربیت شوند که هر انسانی را بدون در نظر گرفتن دین، قوم و یا هر گونه تعلق دیگری، هم‌نوع خود دانسته، گرمی شمرند و به این بیان که نمایان‌گر روح این زمان است، ناظر باشند: "سراپرده یگانگی بلند شد، به چشم بیگانگان یکدیگر را مبینید؛ همه بار یک دارید و برگ یک شاخسار". ملاحظه فرمایید که چطور کودکان بر اثر تربیت فرامیگیرند که به فکر حقوق افراد خانواده خویش باشند. با تربیت بیشتر می‌آموزند که رعایت حال همسایگان و خدمت به آنان را نیز واجب شمرند. در سطحی برتر، تربیت درست، می‌تواند به آنان یاری دهد تا با بینشی وسیع‌تر، عزت وطن و ملت خویش را مدّ نظر قرار دهند و هنگامی که این وسعت بینش به منتهی درجه کمال رسد، البته پیشرفت نوع انسان و خیر و صلاح تمامی مردم جهان را یکی از اهداف زندگی خود قرار خواهند داد. خانواده محیطی است که در آن، این افکار بلند و شکوهمند جهان شمول می‌تواند پرورش یابد و بدین ترتیب نسل‌های برومندی تربیت شوند که ترقی و پیشرفت خود را در سعادت و عزت دیگران ببینند.

امروزه، نوع بشر در حال گذر از دوران پرتلاطم نوجوانی و حرکت به سوی مرحله بعدی در حیات خود می‌باشد - مرحله بلوغ که مشخصه‌اش ظهور يك تمدن جهانی متحد و هماهنگ است. رفاه، صلح و امنیت ما همگی در گرو برقراری وحدتی پایدار است. برای خلق این جهان نوین، بسیاری از الگوهای رفتاری که مشخصه مراحل پیشین هستی ما می‌باشند باید کنار گذاشته شوند. حضرت عبدالبهاء می‌فرماید: "باید بی‌وقفه تلاش نماییم و دمی نیاساییم تا ماهیت روحانی انسان پرورش یابد و با قوایی خستگی ناپذیر در راه پیشبرد بشریت به سوی اصالت مقام حقیقی که برای او در نظر گرفته شده، کوشش نماییم."

اصل بنیادین یگانگی نوع انسان مستلزم تغییری عمیق در تفکرات ماست: اما افکار متعالی به خودی خود کافی نیستند و باید به عمل درآیند. امروزه این حقیقت که نوع بشر یکی است باید به طور مداوم مورد تأکید قرار گیرد و به همگان آموزش داده شود. دوستی خالصانه و محبت جهان‌شمول پیش‌نیاز دستیابی به وحدت نوع انسان است. "رعایت و محبت را به درجه‌ئی رساند که بیگانه، خود را آشنا بیند و دشمن، خود را دوست شمرد. یعنی ابداً تفاوت معامله گمان نکند."

در تمدن نوینی که حضرت بهاءالله ما را به آن فرا می‌خوانند، همه مردم باید آنگونه احساس و رفتار نمایند که گویی شهروندان يك وطن هستند. "اجازه ندهید هیچ آداب و رسومی شما را در ملاقات با مردم ناآشنای سایر سرزمین‌ها، سرد و بی‌تفاوت جلوه دهد... به اظهار دوستی و محبت که فقط با الفاظ باشد قانع نشوید، قلبتان را با محبت خالصانه نسبت به تمام افرادی که در راهتان می‌گذرند مشتعل سازید."

خدمت خالصانه به هموعانمان جلوه‌ای طبیعی از پذیرش اصل یگانگی نوع انسان است. حال که نوع انسان به دوران بلوغ خود نزدیک می‌شود، باید به نحوه ابراز نظر و عقیده‌مان نیز توجه کافی مبذول داریم. هنگامی که نظرات و عقایدمان را با محبت با دیگران درمیان می‌گذاریم می‌تواند تأثیری عمیق بر شنونده داشته باشد. به علاوه، هیچ چیز به اندازه پرداختن به اشتباهات دیگران و یا بدتر بر سر زبان گرداندن آن‌ها، به وحدت لطمه وارد نمی‌آورد. افکار ما باید متمرکز بر محبت و وحدت باشد و به خصوصیات مثبت دیگران توجه کنیم و از کاستی‌های یکدیگر چشم پوشیم.

فرهنگ رقابت که امروزه بر بسیاری از جنبه‌های زندگی حاکم است، رهایی از تفکر برتری جویانه را بسیار دشوار ساخته است. حتی گزینه‌هایی که والدین انتخاب می‌کنند می‌تواند بر فرزندان تأثیر بگذارد؛ گزینه‌هایی که هرچند غیر عمدی و معصومانه، کودکان را تشویق به دستیابی به امیال دنیوی مانند ستایش مقام و قدرت، عشق به تجملات و اعتیاد به لذت‌جویی می‌نماید. چنین نگرش‌هایی به جای یگانگی، مروج نفاق هستند و فرد را در مسیری قرار می‌دهند که در آن همیشه یکی بر دیگری برتری می‌جوید.

نگاه نو

بهائیان با الهام از اصل یگانگی نوع انسان، بر این باورند که پیشرفت یکپارچه مادی و معنوی تمدن بشری مستلزم مشارکت افراد، گروهها و سازمانهای بیشمار برای نسلهای متمادی خواهد بود. امروزه تلاش جامعه بهائی برای مشارکت در جامعه سازی در نقاط مختلف جهان قابل رؤیت است و همه میتوانند در این تلاش سهیم باشند.

در بطن کوشش بهائیان، یک روند طولانی جامعه سازی وجود دارد که به دنبال ایجاد الگوهای زندگی و ساختارهای اجتماعی مبتنی بر اصل یگانگی نوع انسان قرار دارد... هر فرد بدون توجه به نژاد، جنسیت، یا اعتقاداتش به مشارکت در این فرایند دعوت میشود. با مشارکت هزاران هزار فرد در این فرایند و با کسب بینش از علم و میراث معنوی عالم، تولید و توسعه دانش سریعتر انجام میشود. با گذشت زمان در محدوده های مختلف در سراسر جهان، قابلیت و استعداد بالقوه خدمت گسترش یافته و ابتکارات فردی پدیدار میشوند و به طور فزاینده ای اقدامات جمعی برای بهبود وضعیت جامعه صورت میگیرد. در واقع تغییر فرد و تحول و تقلیب جامعه به طور همزمان پیش میرود

نشریه بهائیان

هو الله

پروردگارا کلّ را تأیید فرما و توفیق عطا کن تا سبب آسایش جهان آفرینش گردند و شرق و غرب را آرایش بخشند سبب الفت و اتحاد عالم گردند و خادم نوع بشر شوند جمیع امم را بجان و دل دوست حقیقی گردند و کافه ادیان را در نهایت روح و ریحان یار روحانی شوند. ظلمات بیگانگی محو کنند و آواز یگانگی در جهان منتشر فرمایند. خداوندا کلّ را در پناه خویش پناه ده و به الطاف بی پایان شادمان و کامران فرما. توئی مقتدر و توانا و توئی بیننده و شنوا

ع ع

مکاتیب ج ۲ ص ۱۳۷